

نقش عوامل اقتصادی-اجتماعی در توسعه نیافتگی روستایی (بخش کرفتو شهرستان دیواندره)

دکتر مسعود مهدوی^۱، محمد صادق علیانی^۲، نوشین ایل بیگی^۳

چکیده

سیاستهای توسعه در طول سالها در کشور ما علاوه بر مبتنی بودن بر راهبرد بخشی فاقد نگرشها و دیدگاههای فکری مبتنی بر شرایط توسعه روستایی در کشور بوده است. در واقع نبود این شالوده فکری و رویکرد عملی، مشکلات زیادی را در پیشبرد بسیاری از برنامه‌های توسعه روستایی کشور ایجاد کرده، به طوری که باعث گسیختگی نقاط شهری و روستایی از یکدیگر گشته و آنها را با مسائل و مشکلاتی مواجه نموده است. از جمله این مسائل می‌توان به افزایش بی رویه جمعیت، عدم توجه ملی به ساختار فضایی مناطق روستایی، بهره‌برداری دهقانی، غیر اقتصادی بودن فعالتهای روستایی، انزوایی جغرافیایی، ضعف شبکه ارتباطی، بی‌توجهی به توان وامکانات تولیدی نواحی روستایی و همچنین نیروی انسانی پرتوان و با عدم دخالت و مشارکت مردم در سیاستهای برنامه ریزی اشاره کرد.

در این مقاله تعدادی از عوامل مربوط به شاخصهای اقتصادی که در توسعه نیافتگی روستایی تاثیر گذار بود در بخش کرفتو از توابع شهرستان دیواندره مورد بررسی قرار گرفته است. این بررسی بروشهای اسنادی و پیمایشی با تاکید بر پیمایش تحلیلی یا ربطی به عنوان متداولترین روش تحقیقات میدانی استوار است

در گرد آوری اطلاعات از روش مصاحبه حضوری مستقیم و تنظیم پرسشنامه استفاده شده است. در سنجش و تجزیه تحلیل متغیرها علاوه بر استفاده از آزمونهای آماری پارامتری و ناپارامتری و دیگر روشهای آماری نصب شده در نرم افزارهای spss. در اثبات فرضیه ها استفاده گردیده است. بررسی ها و همبستگی های محاسبه شده در این پژوهش نشان داده است یک رابطه مثبت بین توسعه نیافتگی روستای با متغیرهایی مربوط به عوامل اقتصادی بر قرار است.

واژگان کلیدی: کرفتو، توسعه نیافتگی روستایی، عوامل اقتصادی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۸/۱۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۹/۱۳

۱- استاد دانشگاه تهران

۲- دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات (نویسنده مسئول) Msoliaei@gmail.com

۳- دانش آموخته کارشناسی ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

بیان مساله

بررسی علمی روستاها اگرچه به عنوان زمینه‌ای تحقیقاتی از دیرباز مورد توجه بوده، تنها در دهه‌های اخیر مورد مذاقه خاص قرار گرفته است (سعیدی، ۱۳۸۴، ص ۱) و در ارتباط با آن بحثها و نظریه‌های مختلفی از سوی صاحب‌نظران مطرح گردیده است، زیرا رشد و توسعه بسیاری از کشورها در گرو ساماندهی عرصه‌های روستایی است. لذا به همین جهت هر اندیشمند و صاحب‌نظری متناسب با بافت فکری و مطالعاتی خویش بحثی را در این زمینه مطرح ساخته است. پیرامون همین مباحث در کشورهای توسعه یافته با کشف قانونمندیهای اساسی علم وزین جغرافیا از سوی صاحب‌نظران و بکارگیری این قانونمندیها، به نیازهای اساسی و نوین خویش سروسامان بخشیده‌اند. این جوامع در راستای حرکت مورد بحث امکانات تأمین توأمان نیازهای تداوم حیات و افزایش رفاه را نیز به دست آورده‌اند (جوادی زارع، ۱۳۷۶، ص ۲). اما در جوامع در حال توسعه بدون در نظر گرفتن شرایط کشورشان همان مفاهیم رایج و الگوهای توسعه کشورهای توسعه یافته را در کشور خود به کار برده‌اند و در این میان دچار مشکلات بسیار اساسی، بالاخص در برنامه‌ریزی روستایی و تداوم و نقش بخشیدن به آن گردیده‌اند (سلیمانی تبار، ۱۳۸۲، ص ۵).

به طوری که این کشورها دارای شهرهای بزرگ و بی‌قواره‌ای شده‌اند که چون پمپی مکنده عمل نموده که علاوه بر سرمایه‌ها و ثروتها - نیروی انسانی را نیز به سوی خود می‌کشند و بر پیکر نحیف اقتصاد بیمارگونه این کشورها سنگینی می‌کنند، این دنباله روی و پیروی بی قید و شرط و کورکورانه از کشورهای الگو باعث شده است که اینان هویت خویش را نیز فراموش کنند (افتخاریان مهابادی، ۱۳۷۳، ص ۲).

در ایران نیز مانند سایر کشورهای جهان سوم از دهه ۱۳۴۰ جامعه روستایی دچار تحولات زیادی شد و به روستاییان وعده زندگی بهتر داده شده و یا بهتر است بگوییم به روستاییان القای نیازهای گوناگون نمودند. هرچند این القانات مثبت بود، ولی همزمان با آن خدماتی انجام نشد و وضعیت نامطلوب فقر روستایی به وجود آمد (بنیادمسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰، ص ۸) و حتی «هیات عملیات عمرانی آمریکا در ایران» یعنی اصل چهار، در جهت توسعه و عمران روستاها صورت گرفت که کمترین قرین توفیق بودند و استراتژیهای توسعه روستایی مواجه با برخی ناکامیها و پیامدهای منفی بوده است (طالب، ۱۳۸۴، صص ۲۷۶-۲۷۹).

به هر حال امروزه تغییر راهبردهای اساسی در توسعه احساس می‌شود آن نیز اشتباهات گذشته است، زیرا توسعه‌ای که باعث بهبود شرایط زندگی همه مردم مخصوصاً اکثریت فقیر جامعه نمی‌شود، نمی‌توان یک توسعه واقعی دانست، باید توجه بیشتری به مناطق و مردمی مبذول داشت که در راهبردهای توسعه قبلی نادیده انگاشته شده یا عمداً کنار گذاشته شده‌اند از طرفی نیز در توسعه واقعی مفهومی پیچیده‌تر و جامع‌تر از نظریه «نیازهای اساسی» وجود دارد که آن مفهوم «کیفیت زندگی» است و این مفهوم هم از نظر مادی و هم از نظر معنوی پیش از نیازهای اساسی است که باید در جامعه روستایی مهیا سازیم (Dias, 1983. pp 41-69).

توسعه باید به بهبود شرایط زندگی مردم و ارتقای شأن و استعداد آنها به عنوان انسان نظر داشته باشد. فرایند توسعه تنها با همکاری و تعهد آنها عملی می‌شود و برای به دست آوردن و حفظ توسعه سه چیز لازم است: ۱- سیاست توسعه باید با نیازهای مردم، آن گونه که خود آنها تشخیص می‌دهند، رابطه مستقیم داشته باشد. ۲- آنها باید برای مشارکت در تدوین و اجرای این سیاست، به طور کامل و فعالانه ترغیب و توانا شوند ۳- دستاوردهای حاصله باید در قالب بهبود بلافضل و محسوس شرایط زندگی آنها انعکاس یابند (باتملی، ۱۳۸۲، ص ۲۱۵).

متأسفانه علیرغم اینکه یک تجربه تلخ توسعه روستایی در دهه چهل را تجربه کردیم بعد از انقلاب اسلامی (سال ۵۷) نیز علیرغم حرکت‌های عمرانی در جهت توسعه کشور به دلیل فقدان نگرش مشخص برای توسعه، نامشخص بودن استراتژی توسعه، فقدان برنامه‌های هماهنگ تعداد نهادها تصمیم گیرنده، عدم انطباق بسیاری از فعالیتها و برنامه‌ها با نیازهای جامعه روستایی، بدانگونه که باید دولت نیازهای جامعه روستایی را پاسخگو نبوده است و از طرفی در برنامه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی کشور فصل خاصی برای آن در نظر گرفته نشده است، فقط در حاشیه برنامه‌های توسعه شهری و کشاورزی و صنعتی به آن اشاره شده است، در واقع در طول چند دهه اخیر راهبرد حاکم بر برنامه‌ریزیهای ملی راهبرد بخشی بوده است، این راهبرد و عدم وجود هماهنگی بین بخشها و نهادها باعث تشدید مشکلات روستاییان شده است، علاوه بر آن نوع زندگی مردم که عموماً مبتنی بر نظام سنتی است، قبول برخی از نوآوریها را مشکل کرده است (سلیمانی تبار، ۱۳۸۲، ص ۶).

توسعه روستایی به عنوان زیر مجموعه‌ای از توسعه ملی است، «توسعه روستایی دیگر صرفاً به معنای توسعه کشاورزی نیست. همچنین موردی از رفاه اجتماعی نیست که با تزریق پول به مناطق

روستایی جهت رفع نیازهای اولیه و اساسی انسانی مرتفع گردد. بلکه طیف وسیعی از فعالیتهای گوناگون و بسیج انسانی را شامل می‌شود که مردم را به ایستادن روی پای خود واز میان برداشتن ناتوانیهای ساختاری قادر می‌سازد. ناتوانیهایی که آنها را در اسارت شرایط نامساعد زندگی‌شان نگه داشته است» (میسرا، ۱۳۶۶، ص ۶). بنابراین روستای توسعه یافته و برخوردار باید در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و بهداشتی برای ساکنین آن رضایت بخش باشد.

به تبع این موارد در دهه‌های اخیر فعالیتهایی در قالب راهبرد «خدمات محور» در مناطق روستایی منطقه مورد مطالعه به انجام رسیده است که با اجرای برنامه‌های بی برنامه توسعه روستایی با تعجیل و شتاب بسیار فراوان که با خواسته مردم همراه نبود و مشارکت واقعی مردم را نادیده گرفتند و دولتمردان براساس میل و رغبت خود اقدام به اجرای برنامه‌های توسعه روستایی می نمودند. به عنوان مثال مردم نیاز به آب بند داشتند در عوض دولت برای آنها حمام می‌ساخت که اصلاً نیاز آنان نبود که بعد از چند مدتی بلااستفاده می‌ماند و تخریب می‌شد و یا تقسیم زمینهای کشاورزی یک پارچه ملاکین بدون برنامه و توزیع بین روستاییان بی زمین و ایجاد درگیری و نزاعهای قومی در روستاها که بعضاً منجر به تخلیه روستاها و مهاجرت می‌گردید و سایر موارد دیگر که در توسعه نیافتگی روستایی اثر گذار بوده است و نگارنده تحقیق که خود بیش از دوازده سال در فعالیتهای عمرانی و کشاورزی روستاهای منطقه مشارکت داشته، علیرغم تغییر و تحول چشمگیر در این سکونتگاهها هنوز شاهد مشکلاتی در بخش قابل توجهی از منطقه می‌باشیم. «در مجموع شواهد موجود بیانگر آن است که بخشهایی از مناطق روستایی استان و به خصوص منطقه مذکور با سطح توسعه قابل قبولی به لحاظ کیفیت زندگی مردم، فاصله زیادی با سایر مناطق و به ویژه مناطق شهری دارد (مطالعات جامع توسعه استان کردستان، ۱۳۷۲، ص ۱۹۸ و ۱۵۰).

بنابراین در این مقاله سعی براین است که موانع توسعه روستایی از منظر اقتصادی مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

مواد و روشها

در مقاله حاضر یک سؤال که فرضیه مقاله نیز می باشد، تحت عنوان "بین عوامل اقتصادی با توسعه نیافتگی روستایی رابطه معنی داری وجود دارد" مطرح است.

روش تحقیق در این پژوهش از ترکیب روشهای اسنادی و پیمایشی با تأکید بر پیمایش تحلیلی یا ربطی به عنوان متداولترین روش تحقیقات میدانی بوده، جمع آوری اطلاعات از طریق

پرسشنامه با استفاده از تکنیک مصاحبه حضوری مستقیم [۱] بوده و برای تحلیل روابط بین متغیرها و سنجش آنها از آزمون‌های آماری پارامتری و ناپارامتری نصب شده در نرم افزار SPSS سود جسته شده است.

جامعه آماری مورد مطالعه مردان و یا زنان روستایی سرپرست خانوار بخش کرفتو است که براساس آمارگیری سال ۱۳۸۵ جمعیت آن بالغ بر ۲۰۵۵۵ نفر بوده، که در مناطق روستایی بخش مذکور ساکن می باشند.

براساس قواعد نمونه‌گیری تصادفی تعداد دو روستا از هر دهستان انتخاب گردید. سپس ۶ روستای منتخب را با روش مدل اسکالوگرام تحت عنوان روستاهای توسعه بالا، توسعه متوسط و توسعه پایین دسته بندی گردیده است.

تعیین حجم نمونه با استفاده از فرمول: $n = \frac{z^2 pq}{e^2}$ محاسبه گردیده است: (حجازی، ۱۳۸۰، ص ۱۸۷).

مجموعاً بعد از محاسبه تعداد ۱۶۹ نمونه خانوار برای تحقیق حاضر در نظر گرفته شده است.

ادبیات نظری

مفهوم توسعه نیافتگی [۲]

برای بیان مفهوم توسعه یافتگی و یا توسعه نیافتگی اقتصاددانان تعاریف و راههای متفاوتی را ارائه نمودند: عده‌ای از آنان به ضوابط کمی روی آورده‌اند و با مقایسه آماری داده‌ها، نظیر: تولید ملی، درآمد سرانه، سطح آموزش، بهداشت و درمان، چگونگی توزیع درآمد، میزان سرمایه‌گذاری و... کشورها را در دو گروه توسعه یافته و توسعه نیافته تقسیم بندی کرده‌اند. عده‌ای دیگر از اقتصاددانان تبیین علائم و نشانه‌های توسعه نیافتگی را وجه مطالبه خویش قرارداد و علائمی از قبیل: کثرت مرگ و میر، نرخ بالای زاد و ولد، کمبود مصرف پروتئین، کمبود مصرف سرانه انرژی و... را از مشخصه‌های عقب ماندگی قلمداد کرده‌اند. گروه سوم از متفکرین و اقتصاددانان برای بیان توسعه نیافتگی راه سومی را در پیش گرفته و به ساختار جمعیت، ساختار تولید، ساختار صادرات و... توجه کرده‌اند. به نظر این گروه از اندیشمندان وجود ساختار دوگانه و نبود و یا کمبود پیوستگی بین بخشهای مختلف اقتصادی کنونی، نارسائی جریان درآمد و سرمایه را موجب می‌شود و هریک از بخشهای اقتصادی در یک حالت دور افتادگی و ناپیوستگی و عزلت قرار می-

گیرد و به طور منفک و مستقل تحول می‌یابد و توسعه اتفاق نمی‌افتد مثل وضعیتی که در کشورهای در حال توسعه دیده می‌شود (عادلی، ۱۳۸۲، ص ۵).

توسعه نیافتگی روستایی و دیدگاه‌های نظری مربوط به آن

فرناندو هنریک [۳] کاردوزو مسئله توسعه نیافتگی را اساساً نه تنها از وجه اقتصادی بلکه با مراجعه به وجوه اجتماعی و سیاسی در کشورهای توسعه نیافته تحلیل می‌کند، کاردوزو به طور کلی یک تحلیل اقتصادی را برای تبیین روند توسعه کشورهای امریکای لاتین کافی نمی‌داند و معتقد است که نحوه ترکیب نیروهای اجتماعی و تعارض میان آنها و بالاخره اعمال هژمونی از جانب یک طبقه یا گروه اجتماعی است که باعث تکوین این یا آن الگوی توسعه می‌گردد و به همین خاطر تاکید بر وجود اجتماعی سیاسی را در تبیین توسعه نیافتگی حیاتی می‌داند (کاردوزو، ۱۳۶۶، ص ۶).

فورتادو توسعه نیافتگی را وضعیتی دانسته است که در آن به دلیل عدم هماهنگی بین عوامل اقتصادی و تکنولوژی کاربردی امکان استفاده همزمان از سرمایه و نیروی کار در جامعه میسر نمی‌شود و جامعه از پیشرفت لازم در جهت مسیر توسعه برخوردار نمی‌گردد و توسعه نیافتگی اتفاق می‌افتد (Furtado, 1969, p141). بعضی از صاحب‌نظران توسعه نیافتگی را عنوان ویژگی کشورهای جهان سوم، عقب‌مانده، در حال توسعه و غیره دانسته، کشورهایی که بخش وسیعی از فضای جغرافیایی و جمعیت جهان را به خود اختصاص داده است.

این ویژگی را ناشی از عوامل متعدد خارجی و داخلی می‌دانستند، هرچند که برخی از رویکردهای توسعه چون رویکرد وابستگی تاکید عمده بر عوامل خارجی دارد و توسعه نیافتگی را در قالبی تاریخی و توأم با توسعه نیافتگی مورد علاقه قرار می‌دهد. به طور کلی توسعه نیافتگی را وضعیتی دانسته‌اند که ناشی از روابط نابرابر بین کشورهای توسعه نیافته و توسعه یافته می‌باشد. بنابراین توسعه نیافتگی را در پیوند با پویشهایی که از خارج به کشورهای توسعه نیافته تحمیل شده و نمود عینی عنصر وابستگی به نظام سرمایه‌داری جهان است در نظر گرفته‌اند (ازکیا، ۱۳۷۷، ص ۱۱۱). ضمناً صاحب‌نظران اقتصادی و اجتماعی برای توسعه نیافتگی یک سری معیارهایی را تعریف کرده‌اند، اگرچه تعیین معیارهای توسعه نیافتگی به طور مشخص و دقیقی بسیار مشکل است. توسعه نیافتگی می‌تواند به طریقی تعریف شود، توسعه نیافتگی به دلیل فقر، بیسوادی و بیماری، یا به دلیل توزیع بد و ناعادلانه درآمد ملی، یا نارساییهای اداری و یا عدم سازماندهی اجتماعی. بنابراین

هیچ تعریف جامعی از توسعه نیافتگی وجود ندارد که بتواند با خصوصیات هر یک از کشورهای توسعه نیافته تطبیق کند

به هر حال چهار دیدگاه مهم در ادبیات توسعه اقتصادی در مورد توسعه نیافتگی مطرح است: دیدگاه اول: دیدگاه طرفداران در تسلسل (دایره خبیثه فقر) که در اقتصاد به آن دیدگاه مدرنیزه نیز می‌گویند، طرفداران این دیدگاه طیفی از اقتصاددانان هستند که توسعه نیافتگی را نتیجه عوامل داخلی و وجود دایره خبیثه فقر می‌دانند و آنان معتقدند که در این کشورها فقر وجود دارد. در واقع فقر باعث گردید، که میزان سرمایه‌گذاری پایین باشد و پایین بودن سرمایه‌گذاری باعث خواهد شد که اشتغال پایین باشد و پایین بودن اشتغال نیز موجب کم بودن درآمد زائی خواهد شد (خطیبی، ۱۳۷۱، صص ۱۵-۱۶).

دیدگاه دوم: دیدگاه طرفداران این عقیده که استعمار و امپریالیسم را عامل عقب‌ماندگی و عقب‌نگهداشتن کشورها می‌دانند و اصطلاح عقب‌نگهداشته را به کار می‌برند. این نظریه بیشتر توسط جامعه‌شناسان و اقتصاددانان بلوک شرق مطرح گردیده است. از نظر طیف از اقتصاددانان، امپریالیسم به عنوان عامل توسعه نیافتگی مطرح شده است. به عبارتی آنان توسعه نیافتگی را از تئوری امپریالیسم تجزیه و تحلیل می‌کنند در واقع عواملی خارجی را در توسعه نیافتگی دخیل می‌دانند (ازکیا، ۱۳۸۶، صص ۳۰ و ۲۴۴-۲۴۵).

دیدگاه سوم: این دیدگاه علل توسعه نیافتگی کشورهای توسعه نیافته را تئوری وابستگی می‌داند و معتقدند کشورهای توسعه یافته تمام مواد اولیه و خام کشورهای توسعه یافته را به کشورهای خود برده در عوض محصولات خود را به این کشورها عرضه داشته و صنعت کشورهای توسعه یافته را به خودشان وابسته ساخته‌اند. به عبارتی کشورهای وابسته کشورهای هستند که توانایی رشد مستقل را ندارند چون دارای ساختار وابسته هستند (هاشمی گیلانی، ۱۳۶۹، صص ۷۴-۷۵) و بعضی از نظریه‌پردازان مکتب وابستگی معتقدند که توسعه نیافتگی محصول ساخت و یا ویژگی‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی یک جامعه نمی‌باشد، بلکه تا حد زیادی نتیجه تاریخی ارتباط گذشته و مداوم اقتصادی میان کشورهای توسعه نیافته (اقمار) و کشورهای توسعه یافته (مادر) می‌باشد (برو، ۱۳۷۰، صص ۸۳).

بنابراین مشکلات عمده‌ای که کشورهای توسعه نیافته با آن مواجه هستند، بیشتر ناشی از مسائل درونی جامعه نیست بلکه ناشی از مسائل بیرونی جامعه نیز می‌باشد.

دیدگاه چهارم: این نظریه را مطرح می‌کند که توسعه نیافتگی نتیجه عوامل داخلی (موانع اقتصادی، موانع سیاسی، موانع تکنولوژیکی، موانع اجتماعی، موانع فرهنگی و موانع زیست محیطی) و خارجی (اقتصاد بین‌الملل، سلطه امپریالیستی، فن آوری بر تو) می‌باشد (له‌سای زاده، ۱۳۸۲، ص ۵۴، و ۵۶ و ۵۵). با توجه به دیدگاه‌های که شرح آن گذشت در توسعه نیافتگی روستایی نیز چند عامل اساسی نقش دارد از جمله ۱- جریانات تاریخی، بطوریکه بخش بزرگی از آنچه امروزه تحت عنوان فقر، کم-توسعه یافتگی، عقب ماندگی و از این قبیل را یاد می‌کنیم تا حدی نتیجه جریانات تاریخی است. مجموعه اقتصاد جهان در دو یا سه قرن اخیر به شکلی سازمان یافت که بروز نواحی فقر اجتناب-ناپذیر گردید.

حکام استعمارگر بجای استفاده از این نظام سکونت انسانی به عنوان پایه ایجاد یک جامعه شهری-صنعتی، سیاست‌هایی را در پیش گرفتند که منجر به بروز شکاف عمیقی میان مناطق روستایی و شهری گردید. چرخهای فعالیت صنعتی سکونتگاه‌های روستایی متوقف گردیدند تا رقیب و مانعی در مقابل کالاهای اروپایی نباشند. این امر موجب افزایش فشار جمعیت بر روی زمین‌های کشاورزی گردید. در این خصوص باید این واقعیت را در نظر داشت در دورانی که اروپائیان در گروه‌های بزرگ موطن اصلی خود را ترک می‌گفتند تا در آمریکای شمالی، آمریکای جنوبی، استرالیا و حتی در آسیا و آفریقا سکونت گزینند، مردم بومی و آسیا صنایع خود را از دست می‌دادند و به اجبار به سوی منابع طبیعی و زمینهای که بیش از حد استفاده شده و کم بازده هستند جذب می‌شدند، در آفریقا و آمریکای لاتین نیز این موضوع تا حدی بروز نمود و بیشتر مردم بومی حق مالکیت زمین‌هایشان را از دست دادند (میسرا، ۱۳۶۶، ص ۱۸ و ۱۹).

آنچه از این جریان نتیجه شد، روابط بهره‌کشی روستا-شهری بود، نظام سکونتگاه‌های شهری بعنوان نقاط کلیدی برای مکیدن، مازاد تولیدات کشاورزی و انتقال آنها به مادر شهر [۴] مورد استفاده قرار گرفت. گسترش منافع سرمایه‌داری در کشاورزی همراه با دسترسی نابرابر و تبعیض آمیز به منابع مولد باعث گردید تا این مکانیزم مکش حتی پس از رفتن حکام استعمارگر به حیات و فعالیت خود ادامه دهد. گسترش صنعت سرمایه‌بر نیز نقش کلیدی را در این جریان ایفاء نمود. ۲- عامل بهره‌وری و اشتغال بطوریکه در بیشتر کشورها جمعیت روستایی با سرعت زیادی رو به افزایش می‌باشد. یکی از وجوه مناسب این رشد جمعیت این است که بخش بزرگی از جمعیت بسیار جوانتر از سن مناسب برای کار می‌باشد. وجه دوم این است که جمعیت زیادتر از اندازه‌ای،

باید از آن زمین کم محصول ارتزاق کنند. بعضی از کشورها مانند برزیل در آمریکای لاتین، یا تایلند و اندونزی در آسیا، یا سودان در آفریقا از این بابت خوشبخت بوده‌اند که جبهه‌ای برای گسترش و استفاده جهت استقرار جمعیت داشته‌اند. اما این جبهه و مرز نیز در بیشتر موارد محدود گشته و دیگر امکان گسترش بیشتر وجود ندارد. کشورهایی که دارای جمعیت روستائین بیشتری هستند، در آینده‌ای نه چندان دور، رشد بیش از حد جمعیت نسبت به رشد زمین‌های کشاورزی را که در حال حاضر نیز توان تولید و بهره‌وری اندکی دارد، در حد انفجار خواهند یافت

این وضعیت به درآمد کم برای روستائیان، محدودیت امکانات برای گسترش اشتغال و در نتیجه به وابستگی شدید منجر می‌گردد. بعضی از کشورها هم اینک دچار وضعیت حاد بیکاری در مناطق روستایی هستند که جوانان سالم و توانا را مجبور به مهاجرت به شهرها می‌سازد. به عنوان مثال برآورد شده است که در سال ۱۹۷۱، ۲۶/۲ میلیون نفر از جمعیت روستایی هند که سهمی معادل ۱۳/۲ درصد از نیروی کار روستایی را تشکیل می‌دادند یا بیکار بودند و یا کم اشتغال که از این میان ۴/۲ درصد بیکار و ۵/۴ درصد کم اشتغال بوده‌اند (میسرا، ۱۳۶۶، ص ۲۲). بطوریکه در ایران نیز جمعیت روستایی کشور طی چهار دهه اخیر از ۱۳ میلیون به ۲۳ میلیون نفر رسیده، ولی تعداد شاغلین روستایی افزایش متناسبی نیافته است، به همین دلیل بیکاری، مهاجرت و بالا رفتن نرخ سرباری از ۳/۱ در سال ۱۳۳۵ به ۴/۰۸ در سال ۱۳۷۵ و در نتیجه افزایش فقر از پیامدهای آن بوده است (رضوانی، ۱۳۸۳، ص ۲۱) و یابر پایه داده‌های سرشماری در سال ۱۳۷۵ در مناطق روستایی ۵۷ درصد جمعیت شاغل در فعالیتهای کشاورزی ۲۳ درصد در خدمات و ۲۳/۴۱ درصد در صنعت مشغول فعالیت بوده‌اند. براین اساس باتوجه به تعداد شاغلان در بخش کشاورزی معادل ۵/۳ هکتار (آبی و دیم) به ازای هر شاغل خواهد بود. درحالی که بخش عظیمی از جمعیت کارآمد ساکن در روستاها به عنوان خانه‌دار مشغول فعالیتهای اقتصادی خارج شده‌اند، در صورتیکه آنان عملاً به طرق مختلف در فعالیتهای جاری امور تولید کشاورزی مشارکت سازنده دارند. بر این اساس احتساب جمعیت خانه‌دار در زمره نیروی کار بخش کشاورزی سرانه زمین به ازای شاغلان در بخش کشاورزی را به کمتر از ۵ هکتار تقلیل خواهد بود. این وضع به طور آشکار معرف وجود مازاد نسبی نیروی کار در بخش کشاورزی است و بخش مهمی از مهاجرت نیروی کار از روستاها به شهرها گسیل خواهد شد و متأسفانه برای این بخش از نیروی انسانی و همچنین سیلی از زنان

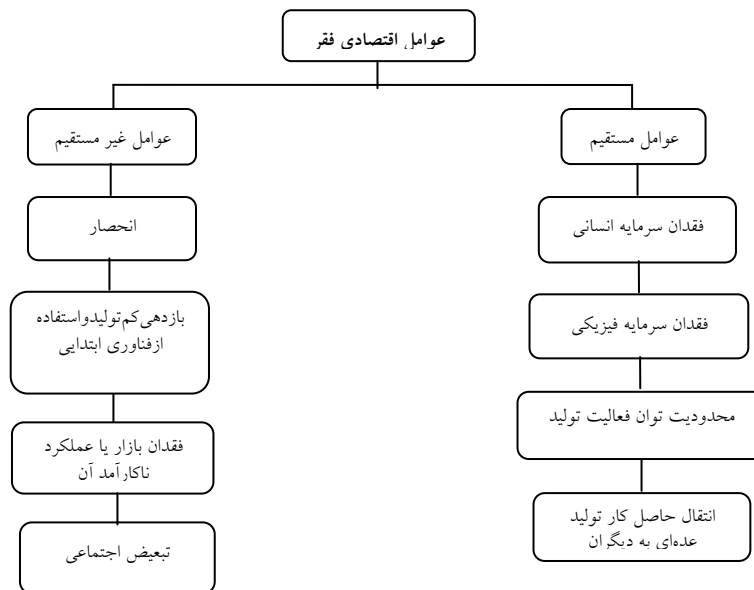
روستایی فرصت‌های شغلی ایجاد نشده است و به نوعی در بیکاری پنهان به سر می‌برند (آسایش، ۱۳۸۵، ص ۳۲۰، ۳۲۱ و ۳۱۷).

وشاخص دیگری که در بهره‌وری می‌توان به آن اشاره کرد پایین بودن میزان سطح تولیدات روستایی و سال خوردگی نیروی انسانی است، بطوریکه کارایی تولیدگندم در ایران در پایین‌ترین سطح نسبت به کشورهای در حال توسعه قرار دارد و یا تولید شیر به ازای یک رأس گاو گویای این واقعیت است که متوسط تولید سالانه هر رأس گاو در جهان ۱۶۸ درصد بیشتر از ایران است. عملکرد این شاخص در هند، پاکستان، تایلند و کره جنوبی به ترتیب ۲۹، ۱۷، ۱۸۲ و ۷۹۸ درصد بیشتر از عملکرد در ایران است. پایین بودن کارایی در تولید گندم و تولید سرانه شیر نشانگر پایین بودن سطح بهره‌وری در کشاورزی ایران است (رحیمی، ۱۳۷۷، ص ۱) و یا سالخوردگی جمعیت شاغل در بخش کشاورزی نیز از عوامل مهم و اساسی توسعه نیافتگی روستایی است. بر اساس بررسی‌های انجام گرفته در ایران این موضوع یکی از مسائل مهم این بخش مطرح بوده که با توجه به نقش بخش کشاورزی در اقتصاد ایران می‌توان تأثیر آن را در کل جامعه حدس زد. جمعیت شاغل در بخش کشاورزی ایران عموماً کم سواد و در مقایسه با سایر بخشها مسن و سالخورده‌تر هستند (چارچوب استراتژی توسعه پایدار بخش کشاورزی در ایران، ۲۰۰۵، ص ۲۱۰) که در صورت تداوم روند این سالخوردگی وضعیت بخش کشاورزی در آینده نگران کننده خواهد بود همچنین نسبت جمعیت ۶۰ سال بخش کشاورزی (در سال ۱۳۷۵) ۲۱/۱ درصد است، در حالی که این رقم برای دو بخش صنعت و خدمات به ترتیب بیش از ۴ و ۵ برابر نسبت سالخوردگان بخشهای صنعت و خدمات است و از طرفی مهاجرتهای روستا به شهر از مهمترین دلایل سالخوردگی شاغلان بخش کشاورزی است (رمضانیان، ۱۳۸۰، صص ۲۰۷-۲۰۸).

بی‌گمان سالخوردگی جمعیت بخش کشاورزی دارای پیامدهای منفی بسیار زیادی است که از آن جمله می‌توان به کاهش بهره‌وری نیروی کار، عدم پذیرش نوآوری و فناوری نوین، نداشتن خلاقیت و ... اشاره کرد.

۳- **نابسامانی در تأمین نیازهای اعتباراتی و مالی روستاییان، این عامل که یکی از متغیرهای اصلی این تحقیق نیز به شمار می‌رود در توسعه نیافتگی روستایی نقش اساسی دارد و مثلاً در ایران بانک کشاورزی به عنوان تأمین کننده اعتبارت مورد نیاز روستاییان می‌باشد متأسفانه این بانک در تأمین اعتبارات روستاییان با محدودیتهایی مواجه بوده که می‌توان به چند مورد آن اشاره کرد (نجفی، ۱۳۸۴، ص ۲۲).**

۱. دامنه خدمات آن در زمینه پرداخت وام محدود و ایجاد و اداره شعب در مناطق روستایی پرهزینه بوده است.
۲. جذب پس انداز روستاییان به سبب دور بودن تولیدکنندگان از شعب محدود و دسترسی آنها به پس انداز در هنگام نیاز مشکل بوده است.
۳. تنوع خدمات ارائه شده فاقد تنوع بوده و پرداخت وامهای تولید محدود بوده است، از طرفی روستاییان خرده پا کمتر توانسته‌اند از تسهیلات این بانک استفاده نمایند و بیشتر اعتبارات این بانک صرف سرمایه‌گذاری بزرگ گردیده است.
- ۴- فقر و نابرابری روستایی به تبع این عامل توسعه نیافتگی روستایی را گسترش می‌دهد از جمله آن عدم دسترسی به زمین، رشد جمعیت، نرخ تورم، نرخ مرگ و میر نوزادان، امید به زندگی، نرخ باسوادی و سایر عوامل دیگر می‌باشد. ولی عمده عوامل اقتصادی که نقش اساسی در گسترش فقر به صورت مستقیم و غیر مستقیم دارد شامل دیاگرام زیر است (رضوی، ۱۳۸۲، ص ۳۸ و ۷۶).



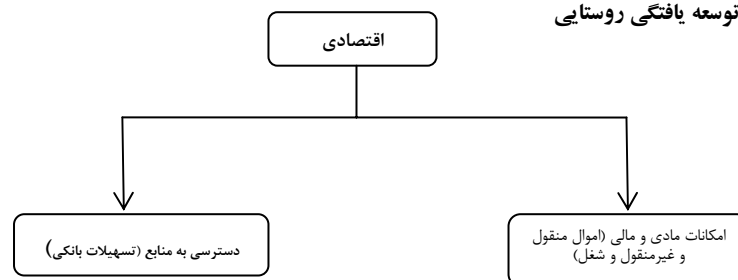
از طرفی طی سالهای اخیر مطالعاتی در مورد فقر از جمله فقر روستایی انجام شده است و با توجه به نسبی بودن مفهوم فقر معیارهای مختلفی را برای خط فقر می توان معرفی کرد. به همین دلیل تخمینهای متفاوتی از فقر وجود دارد. بر اساس بررسیهای صورت گرفته توزیع درآمد در روستاهای ایران نشانگر این واقعیت است که وضعیت توزیع درآمد در روستا در مقایسه با توزیع درآمد در شهرها از وضعیت نامتعادل تری برخوردار است. بطوریکه متوسط درآمد سالانه یک خانوار شهری در سال ۱۳۷۹ برابر ۲۲۳۸۸۰۰۰ ریال و یک خانوار روستایی برابر ۱۳۰۴۷۰۰۰ ریال می باشد (مطبیعی لنگرودی، ۱۳۸۲، ص ۵۶). نابرابریهای درآمد بین دو بخش شهری و روستایی کشور مهمترین نقش را در تعمیق شکاف بین شهر و روستا بازی می کنند، زیرا این گونه نابرابریها می توانند موجب پیدایش و یا افزایش نابرابریهای دیگر از قبیل سطح تحصیلات، سطح مهارت، فرصتهای اشتغال و غیره گردند (سلیمی فرد، ۱۳۷۸، ص ۱۸۰). خوشبینانه ترین برآورد که توسط سازمان برنامه و بودجه صورت گرفته است، ۲۶/۲ درصد از روستاییان را زیرخط فقر به حساب می آورد. بنابراین هنوز گروه زیادی از روستاییان در فقر بسر می برند (حاجعلی فرد، ۱۳۷۵، ص ۵۷۱).

به این ترتیب علیرغم اینکه برنامه های مختلف اقتصادی و اجتماعی که در زمینه توسعه روستایی در داخل کشور اجرا و انجام گرفته است، متأسفانه هنوز نتوانسته است روستاییان را از فقر و بدبختی نجات دهد، و براساس بررسی های صورت گرفته در استانها مختلف کشور در سال ۱۳۷۹ شکاف فقر در بین گروههای مختلف شغلی روستایی از شدت بالایی برخوردار بوده است (عرب مازار و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۱۳۴).

مدل تحلیلی پژوهش

عوامل متعددی در رابطه با موانع توسعه یافتگی روستایی دخالت دارد و مدلی را که بتوان به صورت کامل برای آن مطرح ساخت وجود ندارد، لذا مدل زیر را به عنوان مدل تحلیلی پژوهش با در نظر گرفتن شرایط اقتصادی، جامعه مورد مطالعه و با استفاده از دانش و تجربیات و تحقیقات صورت گرفته محققین و استنباطی که بتواند با مسئله تحقیق سازگاری داشته باشد، مطرح ساخته است.

موانع توسعه یافتگی روستایی



وضعیت اشتغال

با توجه به اینکه منطقه مورد مطالعه به لحاظ موقعیت جغرافیایی یکی از قطبهای مهم کشاورزی و دامداری است که عموماً روستاییان در این بخش اشتغال دارند

جدول شماره (۱) توزیع فراوانی نمونه های مورد مطالعه در بخش زراعت و باغبانی

وضعیت فعالیت						نوع فعالیت	نوع محصول
مشارکت ندارد			مشارکت دارد				
جمع	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	جمع		
۱۰۰	۱۶۹	۱۵	۲۶	۸۵	۱۴۳	کاشت - درو- بوجاری - خرمنکوبی - آماده نمودن خرمن جدا کردن کاه از دانه	گندم
۱۰۰	۱۶۹	۳۵/۶	۶۰	۶۴/۴	۱۰۹	کاشت - درو- بوجاری - خرمنکوب - آماده نمودن خرمن - جدا کردن کاه از دانه	جو
۱۰۰	۱۶۹	۶	۱۰	۹۴	۱۵۹	ب کاشت - برداشت - خرمنکوبی - جدا کردن کاه از دانه - بوجاری	نخود
۱۰۰	۱۶۹	۸۲	۱۳۹	۱۸	۳۰	کاشت - برداشت - خرمنکوبی - جدا کردن کاه از دانه - بوجاری	عدس
۱۰۰	۱۶۹	۹۰	۱۵۲	۱۰	۱۷	کاشت - برداشت - وجین	لوبیا
۱۰۰	۱۶۹	۳۶/۷	۶۲	۶۳/۳	۱۰۷	کاشت - درو - خرد کردن - انبار کردن - آبیاری	نباتات علوفه‌ای یونجه، اسپرس و سایر
۱۰۰	۱۶۹	۶۴	۱۰۰	۴۶	۷۷	کاشت - برداشت سبزی - وجین - آبیاری	سبزیکاری
۱۰۰	۱۶۹	۵۵/۵	۹۲	۴۵/۵	۷۷	کاشت - برداشت - وجین - آبیاری	صیفی کاری
۱۰۰	۱۶۹	۷۹	۱۳۲	۲۲	۳۷	میوه چینی	باغداری
۱۰۰	۱۶۹	۹۰	۱۵۲	۱۰	۱۷	نشاء کاری - وجین	توتون کاری
۱۰۰	۱۶۹	۹۰	۱۵۲	۱۰	۱۷	کاشت - برداشت - روغن کشی	کنجد
۱۰۰	۱۶۹	۹۳	۱۵۷	۷	۱۲	کاشت و داشت و برداشت	آفتابگردان

ماخذ: مطالعات میدانی محقق سال ۱۳۸۸

جدول شماره (۲) توزیع فراوانی نمونه های مورد مطالعه در بخش در امور دام، طیور و زنبورداری

وضعیت فعالیت						نوع فعالیت	واحد فعالیت
مشارکت ندارد			مشارکت دارد				
جمع	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	جمع		
۱۰۰	۱۶۹	۱۳	۲۲	۸۷	۱۴۷	شیردوشی، تغلیف دامها، رسیدگی بیماریها، جابجایی دام، پروار بندی، تمیز کردن اصطبل	دامپروری
۱۰۰	۱۶۹	۷۶	۱۲۹	۲۴	۴۰	آب و دانه دادن، جوجه کشی، رسیدگی به بیماریها، جمع آوری تخمها، جابجایی	طیور
۱۰۰	۱۶۹	۷۲	۱۲۲	۲۸	۴۷	سرکشی به کندوها، بچه گیری، تغذیه، برداشت عسل، تبدیل کندو	زنبورداری

ماخذ: مطالعات میدانی محقق سال ۱۳۸۸

جدول شماره (۳) توزیع فراوانی نمونه های مورد مطالعه در بخش در صنایع دستی

وضعیت فعالیت						نوع فعالیت
مشارکت ندارد			مشارکت دارد			
جمع	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق		
۱۰۰	۱۶۹	۸۸/۲	۱۴۹	۱۱/۸	۲۰	قالی بافی
۱۰۰	۱۶۹	۹۱	۱۵۴	۹	۱۵	گلیم بافی
۱۰۰	۱۶۹	۹۱	۱۵۴	۹	۱۵	جوراب بافی
۱۰۰	۱۶۹	۹۴	۱۵۹	۶	۱۰	سجاده بافی
۱۰۰	۱۶۹	۹۴	۱۵۹	۶	۱۰	دستکش بافی
۱۰۰	۱۶۹	۹۴	۱۵۹	۶	۱۰	نخ ریزی
۱۰۰	۱۶۹	۹۷	۱۶۴	۳۶/۷	۳	پلاس بافی

ماخذ: مطالعات میدانی محقق سال ۱۳۸۸

اندازه قطعات زمینهای کشاورزی

با توجه به بررسیهای به عمل آمده متاسفانه زمینهای موجود کشاورزی در منطقه از نظر وسعت قطعات کوچکتر و از نظر پراکندگی نیز خیلی پراکنده می باشد و امکان یک برنامه ریزی اصولی را از برنامه ریزان سلب کرده و هر سال نیز به دلیل قانون ارث این قطعات کوچکتر می گردد.

جدول شماره (۴) توزیع فراوانی اندازه قطعات زمین دیمی نمونه های مورد مطالعه

فراوانی نسبی	فراوانی	مساحت زمین
۳۰	۵۰	کمتر از ۵ هکتار
۴۳	۷۲	بین ۵ تا ۱۰ هکتار
۱۷	۳۰	بیشتر از ۱۰ هکتار
۱۰	۱۷	فاقد زمین
۱۰۰	۱۶۹	جمع

ماخذ: مطالعات میدانی محقق سال ۱۳۸۸

جدول شماره (۵) توزیع فراوانی اندازه قطعات زمین آبی نمونه های مورد مطالعه

فراوانی نسبی	فراوانی	مساحت زمین
۳۲	۵۴	کمتر از ۱ هکتار
۳۶	۶۰	بین ۱ تا ۲ هکتار
۱۰	۱۷	بیشتر از ۲ هکتار
۲۲	۳۸	فاقد زمین
۱۰۰	۱۶۹	جمع

ماخذ: مطالعات میدانی محقق سال ۱۳۸۸

میزان دسترسی به منابع و تسهیلات بانکی

علیرغم اینکه سالیانه مبالغ هنگفتی اعتبارات برای تامین خرید نهادها و نیازهای اساسی و تولیدی روستاییان تخصیص می یابد متأسفانه دلیل ساختار بانکها و همچنین عدم شفافیت اعتبارات و بالا بودن سود آنها روستاییان از این اعتبارات بخوبی استقبال نمی کنند و تعداد قلیلی از روستاییان امکان استفاده از این تسهیلات را دارند

جدول شماره (۶) توزیع فراوانی دسترسی و استفاده از منابع بانکی نمونه های مورد مطالعه

فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	شرح
۷۰	۱۱۹	تاکنون از بانکها و یا سایر منابع مالی تسهیلات دریافت نکرده ام
۱۸	۳۰	تاکنون کمتر از یک میلیون تومان از تسهیلات بانکها استفاده کرده ام
۱۲	۱۷	تاکنون بیشتر از یک میلیون تومان از تسهیلات بانکها استفاده کرده ام
۱۰۰	۱۶۹	جمع

ماخذ: مطالعات میدانی محقق سال ۱۳۸۸

مقایسه میانگین تولیدات دومحصول عمده گندم و نخود

در حالیکه میانگین سطح تولید گندم بصورت دیم در سطح کشور ۱۱۰۰ کیلوگرم و میانگین جهانی آن ۲۲۰۰ کیلوگرم در هکتار می باشد و این امر نشان علیرغم پیشرفت و توسعه ای که در کشور حاصل شده است متأسفانه هنوز سطح تولید گندم در منطقه مذکور با سطح میانگین تولیدی کشور خیلی فاصله دارد یا سطح تولید نخود بصورت دیم بصورت میانگین در کشور در هکتار ۷۰۰ کیلوگرم است در حالیکه منطقه موردنظر به ۳۰۰ کیلوگرم نیز نرسیده است بنابراین عوامل متعددی در این زمینه می تواند دخیل باشد در بحث نتیجه گیری برای آن اشاره خواهد شد.

جدول شماره (۷) مقایسه میزان تولید گندم و نخود برحسب سطح توسعه روستاها

میزان تولید نخود		میزان تولید گندم		متغیرها روستاها
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۷۷/۷	۲۲۳/۷		۵۸۳/۳	با توسعه پایین
۱۱/۴	۲۳۸/۲		۶۰۲/۸	با توسعه متوسط
۷۶/۰۵	۲۷۹/۷		۷۷۱/۲	با توسعه بالا
۹۶/۶	۲۴۹/۴	۱۹۶/۷	۶۵۷/۷	کل
۴/۹۴		۱۸/۲۳		مقدار F
/۰۰۸		/۰۰۰		سطح معناداری

میزان درآمد کل نمونه ها در سال

با توجه به بررسیهای به عمل آمده متاسفانه ۵۰ درصد نمونه های مورد مطالعه کمتر از دو میلیون تومان در آمد ناخالص در سال دارند و این امر نشانگر تلخ محرومیت در منطقه است.

جدول شماره (۸) توزیع فراوانی میزان در آمد ناخالص سالیانه نمونه های مورد مطالعه

شرح	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی
دارای کمتر از ۲ میلیون تومان	۸۴	۵۰
بین ۲ تا ۳ میلیون تومان	۶۳	۳۷
بالا تر از ۵ میلیون تومان	۲۲	۱۳
جمع	۱۶۹	۱۰۰

ماخذ: مطالعات میدانی محقق سال ۱۳۸۸

سرمایه اقتصادی

سرمایه اقتصادی در این بررسی از ترکیب دو متغیر مجموع درآمد سالیانه و دسترسی به تسهیلات مالی ساخته شده است که همبستگی بین این دو متغیر به لحاظ آماری برابر با ۹۳/ است که در سطح ۹۹ درصد همبستگی معناداری می باشد.

آزمون فرضیه

فرضیه: بین عوامل اقتصادی و توسعه نیافتگی روستایی رابطه معنی داری وجود دارد. عوامل اقتصادی به عنوان متغیر مستقل این فرضیه از طریق امکانات مادی و مالی در اختیار روستاییان مورد سنجش قرار گرفته است که پس از انجام آنالیز واریانس نتایج مربوطه در جدول شماره (۹) آورده شده است

جدول شماره (۹) مقایسه میانگین سرمایه اقتصادی

سرمایه اقتصادی		متغیرها
انحراف معیار	میانگین	روستاها
۰/۱۹	۳۱/۸	با توسعه پایین
۰/۴۶	۳۲/۱۳	با توسعه متوسط
۲۰/۵۸	۷۴/۷	با توسعه بالا
۲۳/۷	۴۷	کل
	۲۳۶/۳	مقدار F
	/۰۰۰	سطح معناداری
	۰/۸۶	آماره اتا

باتوجه به بررسیهای صورت گرفته و تجزیه تحلیل داده های مربوط به این فرضیه براساس همبستگی که به شرح جدول شماره (۹) انجام گرفته است نشان می دهد سرمایه اقتصادی برای روستاهای باتوسعه پایین ۳۱/۸ می باشد و برای روستاهای باتوسعه متوسط ۳۲/۱۳ و برای روستاهای باتوسعه بالا ۷۴/۷ است این تفاوت در میانگین سرمایه اقتصادی نیز باتوجه به مقدار F و سطح معناداری آن تفاوت معناداری می باشد. بنابراین فرضیه رابطه بین سرمایه اقتصادی و سطح توسعه روستاها مورد تایید قرار می گیرد و مقدار پیوستگی بین سرمایه اقتصادی و سطح توسعه روستاها مطابق با مقدار آماره اتا برابر با ۰/۸۶ است. این موضوع نشان می دهد اگر چنانکه سرمایه اقتصادی بصورت عادلانه و به سهولت در اختیار روستاییان قرار گیرد می تواند در سطح یکسان به توسعه روستایی کمک نماید. در حالیکه براساس بررسی صورت گرفته در این تحقیق امکان دسترسی افراد برای سرمایه های اقتصادی بصورت یکسان نبوده و این تحقیق به خوبی نشان داده است هر میزان روستا پیشرفته تر بود از امکانات اقتصادی نیز بهتر و بیشتر استفاده نموده است هر میزان روستا از مرکز دورتر بوده و از سطح پایین توسعه برخوردار بوده دسترسی و استفاده از امکانات اقتصادی نیز کمتر بوده است. بنابراین عوامل اقتصادی نقش موثری در توسعه روستایی دارد و بالعکس آن نیز صادق است در واقع هر میزان امکان دسترسی به منابع اقتصادی کمتر باشد به همان میزان نیز باعث عدم توسعه روستایی خواهد شد.

نتیجه گیری

۱- با توجه به شرح مطالب که گذشت عمده مشکلات و موانع توسعه روستایی صرفا با تامین اعتبار قابل حل نیست بلکه برنامه های توسعه روستایی باید جامعه نگر باشد که متاسفانه برنامه های توسعه روستایی در دو مقطع زمانی قبل و بعد از انقلاب جامع نگر نبودند بلکه برنامه ها براساس موقعیت زمانی بوده در هر مقطع زمان هیچ یک از برنامه ها نتوانسته است از موفقیت لازم برخوردار گردد. از جمله مواردی که در این تحقیق بر اساس فرضیه تحقیق نیز به اثبات رسیده است می توان عواملی مانند: ۱- کمبود فرصت های شغلی متناسب با نیاز جامعه ی روستایی به ویژه در عرصه فعالیت های غیرکشاورزی، ۲- نادیده گرفتن سهم روستاهای کوچک در دریافت تسهیلات عمرانی، رفاهی و توسعه ای ۳- عدم وجود انگیزه های لازم برای انتقال سرمایه ها به مناطق روستای و همچنین پایین بودن پس انداز و فقدان راهکارهای موثر تجهیز آن ۵- عدم تناسب ساختار نظام بانکی کشور با ویژگی های ساختار نظام تولیدی در مناطق روستایی ۶- پایین بودن

میزان سطح درآمد خانوار ۷- بیکاری مفرط ۸- عدم وجود صنایع تبدیلی روستایی در منطقه اشاره کرد.

پی نوشت ها

1-In-person interviews
2-Under Development

3-Fernando Henrique Cardoso
4-Metropole

منابع

- آسایش، حسین و همکاران (۱۳۸۵). **مقدمه ای بر اقتصاد روستایی ایران**. کرمانشاه: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه،
- از کیا، مصطفی (۱۳۷۷). **جامعه شناسی توسعه**. تهران: نشر کلمه،
- _____ و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۶). **جامعه شناسی توسعه**. تهران: انتشارات کیهان
- افتخاریان مهابادی، داود (۱۳۷۳). "بررسی مسائل توسعه روستایی شهرستان اردستان". پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا دانشکده دانشگاه اصفهان به راهنمایی دکتر سیدحسن حسینی ابری
- باتملی، ترور (۲۰۰۳). **موسسات کشاورز - محور برای توسعه کشاورزی فعالیت تعاونی ها در امور اعتبار**. عرضه و بازاریابی ترجمه علی کمالی و همکاران. تهران: انتشارات روستا و توسعه شماره ۴۷
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (۱۳۷۰). **نشریه داخلی سازمان مسکن و انقلاب** مرداد ماه شماره ۱۴
- جوادی زارع، مقصود (۱۳۷۶). "بررسی و طراحی نظام خدمات رسانی روستایی شهرستان اردبیل". پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا دانشگاه فردوسی مشهد به راهنمایی دکتر محمدحسین پاپلی یزدی
- حاجعلی فرد، حسن (۱۳۷۵). **اندازه گیری فقر و شناسایی ویژگیهای خانوارهای زیر خط فقر**. مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسئله فقر.
- حجازی، الهه و همکاران (۱۳۸۰). **روشهای تحقیق در علوم رفتاری**. تهران: انتشارات آگاه،
- چارچوب استراتژی توسعه پایدار بخش کشاورزی در جمهوری اسلامی ایران (۲۰۰۵). انتشارات سازمان خواربار کشاورزی سازمان ملل متحد وزارت جهاد کشاورزی
- خطیبی، محمدعلی (۱۳۷۱). **اقتصاد و توسعه**. تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران،
- دیاس، هیران دی و همکاران (۱۹۸۳). **درسنامه برنامه ریزی توسعه روستایی**. تهران: انتشارات روستا و توسعه شماره ۱
- رحیمی، عباس (۱۳۷۷). **جایگاه توسعه روستایی در نظام برنامه ریزی کشور**. مجموعه مقالات همایش پنجاه سال برنامه ریزی توسعه در ایران جلد دوم. انتشارات مرکز تحقیقات اقتصاد ایران
- رضوانی، محمد رضا، (۱۳۸۳). **مقدمه ای بر برنامه ریزی توسعه روستایی در ایران**. تهران: انتشارات نشر قومس،
- رضوی، سید حسن (۱۳۸۲). **روستا فقر، توسعه، جمله روستا و توسعه**. شماره ۵۲ انتشارات وزارت جهاد سازندگی

نقش عوامل اقتصادی در توسعه نیافتگی روستایی..... ۱۷۳

رمضانیان، محمد (۱۳۸۰). سالخوردگی جمعیت شاغل در بخش کشاورزی ایران دلایل و پیامدها. **فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه** شماره ۳۶ انتشارات وزارت جهاد کشاورزی

روکس برو، یان (۱۳۷۰). **جامعه شناسی توسعه، نظریه‌های توسعه نیافتگی**. ترجمه مصطفی ازکیا. تهران: انتشارات نشر توسعه، سعیدی، عباس (۱۳۸۴). **مبانی جغرافیای روستایی**. تهران: انتشارات سازمان سمت،

سلیمانی تبار، مریم (۱۳۸۲). "بررسی ساختار فضایی و تحلیل شاخصهای توسعه روستایی در شهرستان بردسیر". پایان- نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا دانشگاه فردوسی مشهد به راهنمایی دکتر جعفر جوان

سلیمی فرد، مصطفی (۱۳۷۸). روند تغییرات نابرابری شهری و روستایی در ایران طی دوره ۷۵ و ۱۳۴۵. **فصلنامه پژوهشهای جغرافیایی** شماره ۵۲ و ۵۳

طالب، مهدی (۱۳۸۴). **جامعه شناسی روستایی ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران**. تهران: دانشگاه تهران، طرح جامع مطالعه ۲۵-توسعه اقتصادی واجتماعی استان کردستان ۱۳۷۲ سازمان برنامه بودجه استان کردستان عادل، محمدرضا (۱۳۸۲). مفهوم توسعه نیافتگی **ماهنامه بررسیهای بازرگانی**. تهران: انتشارات وزارت بازرگانی، عرب مازار، عباس و همکاران (۱۳۸۳). برآورد میزان فقر و شدت آن در گروههای مختلف شغلی خانوارهای روستایی ایران. **فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه** شماره ۴۵ انتشارات وزارت جهاد کشاورزی

کاردوز، هنریک و سایر همکاران (۱۳۶۶). **توسعه و توسعه نیافتگی**. تهران: انتشارات پیشبرد،

لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۸۲). **جامعه شناسی توسعه**. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور،

میسرا، آرپی (۱۳۶۶). توسعه روستایی، مسائل و مشکلات **گاهنامه روستا و توسعه** شماره اول انتشارات مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی وزارت جهاد سازندگی

نجفی، بهاءالدین و همکاران (۱۳۸۴). تأمین مالی فرد راهکار نوین برای کاهش فقر در جوامع روستایی. **فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه** شماره ۴۹ انتشارات وزارت جهاد کشاورزی

هاشمی گیلانی، علی (۱۳۶۹). **نظریه‌های توسعه نیافتگی**. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،

Furtado, Development and Underdevelopment 1969